

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ جنوری ۲۰۲۲

آیا سیاست تصفیۀ طالب به مشکل برخورد؟



پنجشنبه - ۲۳ جدی ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه به خبرهایی که از طریق رسانه های مجازی و رسمی امروز پخش شده اند توجه نموده باشید، یکی از مهمترین اخبار اعتراضات هموطنان از بییک تبار در شهر میمنه در مخالفت با زندانی ساختن "مخدوم عالم" یکی تن از قومندانان از بییک تبار طالب بود. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه می نمایم:

۱- مخدوم عالم چه کسی می باشد؟



"مخدوم عالم" که در عکس در سمت راست دیده می شود در زمان اداره پوشالی ساقط شده، والی نام نهاد طالب در ولایت فاریاب، رئیس کمیسیون نظامی طالب در ولایات فاریاب، جوزجان و سرپل و یکی از قومندانان جلا و خونریز طالب بود که تمام ترقی و اعتبارش را به مانند تمام قومندانان طالب و بقیه نهاد های جنگسالار در افغانستان و جهان از جنایاتی که در حق مردم خودشان انجام داده و خشونت که از خود تبارز داده اند، مدیون بود.

بعد از سقوط حاکمیت پوشالی، علی رغم آن که ولایت فاریاب را گویا بدون خونریزی فتح نموده بود و برای مدتی به حیث والی همان ولایت به رتق و فتق امور می پرداخت، از طرف اداره مرکزی طالب در کابل، "ملا فاضل" به جایش در ولایت فاریاب به حیث والی مقرر شده، وی را به حیث مرستیال ولایت در ولایت سرپل فرستادند.

۲- این تنزل رتبه و مقام با تمام جنایاتی که انجام داده بود هرچند می توانست در همان زمان به مثابه آغاز کنارزدن وی مطرح گردد و حتا به مقاومت از جانب نامبرده بینجامد، مگر تعهدات "مخدوم عالم" به طالب و درک خودش از این که با ایستاده شدن در کنار طالب تمام پلهای پشت سرش را ویران نموده و دیگری روی مراجعه به مردم را ندارد، باعث شد تا نامبرده این تحقیر رهبرانش را تحمل نموده، به حیث مرستیال ولایت سرپل عازم آن دیار گردد.

۳- هر چند خبرها در قبال عکس العمل مردم ولایت فاریاب به خصوص باشندگان شهر میمنه در قبال دستگیری "مخدوم عالم" یکسان نیست، یعنی در حالی که رسانه های رسمی از ایجاد "خیمه تحصن" تا آزاد شدن نامبرده از حبس یاد می کنند، در رسانه های مجازی به خصوص افراد وابسته به حاکمیت پوشالی ساقط شده، اشغال ادارات دولتی ولایت فاریاب، فرار والی و قومندان امنیه آن ولایت و خلع سلاح آن عده از افراد طالب را که از دیگر ولایات آمده بودند، تبلیغ می نمایند. این که کدام یک از آنها واقعاً راست می گوید و وضعیت کنونی شهر میمنه و ولایت فاریاب در چه حالیست، نباید زود مورد قضاوت قرار گیرد و به مانند فراریان حاکمیت اداره پوشالی ساقط شده آن را سرآغاز سقوط حاکمیت داروتازیانه طالب و نظام ملاسالار تبلیغ نمود.

۴- آنچه در این درگیری حایز اهمیت است، چرایی و علت دستگیری "مخدوم عالم" می باشد. این علل در کل می تواند نکات آتی باشد:

الف- سیاست تصفیۀ عناصر ناباب از صفوف طالب که رسماً از جانب نظام ملاسالار اعلام شده و به اساس گفته سخنگویان قد و نیم قد طالب، بیش از ۲۰۰۰ تن از صفوف آنها طرد شده اند، اینک شامل حای وی نیز شده است؛

ب- همان طوری که مظاهره چپان در ولایت فاریاب ادعا دارند و رسانه های مجازی وابسته به عناصر اداره پوشالی ساقط شده نیز نشخوار می نمایند، "مخدوم عالم" به نسبت تعلق تباری اش به اقلیت ازبیک، به جای آن که به مانند دوران روبروئی طالب با اداره پوشالی ساقط شده، حد اقل قومندان نظامی هر سه ولایت و حکمران آن ولایات باقی می ماند، نخست وی را با تحقیر به حیث مرستیال ولایت سرپل فرستادند و اینک هم بر مبنای همان تعلق قومی مورد تصفیۀ قرار گرفته است؛

پ- جناح بندی ها و تضاد های درونی طالب و نظام ملاسالار باعث شده است، تا رهبری کنونی طالب که عمدتاً به وسیله "شبکه حفانی" گردانندی می گردد چنین تصمیمی را اتخاذ نمایند؛

ت- طالب و نظام ملاسالار با شناختی که از روحیه مردم دارند و می دانند که به مجرد به افکندن فردی به زندان با برچسب مخالفت با طالب، وی یکشنبه مورد حمایت مردم قرار می گیرد، با پیروی از سیاست های "غنی احمدزی" در قبال "نظام الدین قیصاری" و استفاده ابزاری از وی جهت زدن "دوستم" و نابودکردن هیرارشی موجود بین ازبیک ها و بقیه ترکتباران، این مهرۀ خودشان را به بند افکنده اند تا به "قیصاری" و یا "دوستم" جدید مبدل شود. هموطنان گرامی!

این حکم داهیانۀ دیالکتیک ماتریالیستی که تمام پدیده های اجتماعی، سیاسی، فرهنگ، نظامی و ... طبیعی در درون خود دارای تضاد و تضادهائی می باشد که همان تضاد ها علت اصلی تغییرات در آن پدیده را می سازند، در مورد طالب و نظام ملاسالار نیز صدق نموده، نباید چنین پنداشت که اولاً طالب یکدست است و در ثانی این یکدستی و یکپارچگی جاودانه خواهد ماند.

طالب هم به مانند تمام پدیده های اجتماعی دیگر در درون خود تضادهائی را حمل می نماید که زمانی آن تضادها حدت می یابند و زمانی هم آرام و قابل کنترل می مانند، در نتیجه دستگیری "مخدوم عالم" روی هر دلیل و انگیزه ای که باشد، در مقطع کنونی چیزی بیشتر از تبارز همان تضادهای درونی طالب نمی باشد و هیچ ربطی به مردم ما ندارد آینده نشان خواهد داد که این تضاد بر کدام مسیر حرکت و بر کدام مینا رشد می نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!